

نشریه داخلی مؤسسه رحمان
پیش شماره پنجم تابستان ۱۳۹۱

رحمان

(رشد، حمایت، اندیشه)

اخلاق امداد اجتماعی

فهرست مطالب:

۱	سرآغاز
		مواجهه با آسیب‌های اجتماعی با رویکرد هنری
۳	حمید نوحی
		پیامدهای اقتصادی تخریب سرمایه‌های نمادین
۷	محسن رنانی
		اخلاق امداد اجتماعی
۱۵	مصطفی ملکیان
		مواجهه با آسیب‌های اجتماعی با رویکرد مدیریتی
۱۹	مجتبی امیری
		کودک و آسیب‌های اجتماعی
۲۷	مصطفی معین
		سلامت اجتماعی
۴۵	احمدعلی نوربالا
		رونمایی از نخستین «گزارش وضعیت اجتماعی ایران (۸۷-۱۳۸۰)»
۸۵	مصطفی معین، سعید مدنی، ژاله شادی‌طلب
		سلامت جسمی در ایران
۱۰۵	معصومه دژمان

پیامدهای اقتصادی تخریب سرمایه‌های نمادین

دکتر محسن رنانی^۱

مرداد ۱۳۹۰

یکی از جدی‌ترین مسائل تاریخ صدساله ایران، تخریب سرمایه‌های نمادین است. این تخریب به حدی است که باید آن را با صدای بلند فریاد زد، تا شاید سیاست‌گزاران و اندیشمندان کشور آن را ببینند و به آن بیانده‌شوند.

در اصل تخریب سرمایه‌های نمادین یکی از ویژگی‌های توسعه‌نیافتگی است. این نوع جوامع دوطرفه هستند، یعنی این که بخشی از جامعه تولید و بخش دیگر، تخریب می‌کند. در واقع علت اصلی رشدنیافتگی جوامع را ناتوانی در حفظ و نگهداری سرمایه‌های موجود و همچنین ناتوانی در انباشت سرمایه جدید می‌توان دانست. استفاده بهینه از سرمایه‌های موجود، باعث رشد و ورود سرمایه جدید در این فرآیند، باعث تسریع رشد می‌شود. در واقع از منظر علم اقتصاد، «رشد» به معنای استفاده بهینه از سرمایه‌های موجود برای تولید بیشتر است، اما «توسعه» به معنای توانایی تولید و ارتقای فناوری است. فناوری نیز به دو دسته تقسیم می‌شود: اجتماعی و اقتصادی. اگر

^۱ عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان

جامعه‌ای بتواند این دو دسته فناوری را تولید کند و بهبود دهد، وارد مرحله تکثیر و انباشت سرمایه می‌شود.

فناوری سه بعد دارد: دانش، ابزار و روش. در بسیاری از موارد، ابزار همان ابزار قبلی است، اما با تغییر در روش، فناوری متحول می‌شود. تغییر دو بعد دیگر نیز باعث تغییر فناوری می‌شود. با تغییر ابعاد فناوری اقتصادی و پیشرفت در آن، جامعه رشد اقتصادی می‌یابد، ولی توسعه زمانی حاصل می‌شود که هم‌زمان فناوری اجتماعی نیز رشد و تغییر پیدا کند.

فناوری اجتماعی شامل نهادها، عادت‌های رفتاری انسان‌ها، مناسبات و همکاری بین نهادها و سازگاری بین قوانین سامان‌دهنده زندگی اجتماعی انسان‌ها است. از فناوری اجتماعی نیز ارزش‌هایی تولید می‌شود، مانند دانش و سرمایه انسانی. توسعه زمانی حاصل می‌شود که جامعه بتواند به مرز تلفیق و ترکیب دو نوع فناوری اجتماعی و اقتصادی برسد. شکاف میان دو نوع فناوری، نشان‌گر درجه توسعه نیافتگی است. جامعه توسعه‌یافته که دارای فناوری‌های اجتماعی و اقتصادی سازگار، هماهنگ و مکمل است، به مرز تولید انبوه سرمایه می‌رسد. می‌توان گفت شش نوع سرمایه وجود دارد: انسانی، مالی و اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نمادین.

سرمایه عامل تولید کالا و خدمات ارزشمند است. سرمایه قابلیت انباشت ارزش‌های گذشته را دارد و می‌تواند خود را تکثیر کند. قابل ذخیره و انتقال است و در نهایت می‌توان گفت سرمایه ابزار اعمال قدرت و جذب منفعت است.

منظور اندیشمندان از سرمایه، از قرن شانزدهم تا اواخر قرن نوزدهم، سرمایه‌های اقتصادی و مالی بود. به همین دلیل در قرون هفده و هجده برای به‌دست‌آوردن طلا و نقره و منابع مالی بیشتر، استعمارگری گسترش پیدا کرد. در اوایل قرن بیستم، سرمایه انسانی مطرح شد. سرمایه انسانی به معنای انباشت تجربه و دانش در نیروی انسانی است. هر چه یک نیروی کار تجربه کسب کند، سرمایه انسانی بالاتر می‌رود، زیرا قدرت

خلق ارزش و تولید آن افزایش می‌یابد. سرمایه اجتماعی از اواسط قرن بیستم مطرح شد و منظور از آن ارتباطها و شبکه‌هایی اجتماعی است که می‌توانند حس همکاری و اطمینان را در میان افراد یک جامعه پدید آورند. برای مثال ماشین‌آلات یک کارخانه، سرمایه مالی و اقتصادی آن، کارگران و تکنسین‌ها و مهندسان، سرمایه انسانی آن و وجود رابطه مناسب بین نیروی انسانی کارخانه با یکدیگر و با مدیران، سرمایه اجتماعی آن است. اگر سرمایه اجتماعی نباشد، همکاری بین افراد شکل نمی‌گیرد و سرمایه اقتصادی و انسانی به تنهایی منجر به تولید و ایجاد ارزش نخواهند شد.

آنچه در ایران بعد از جنگ تحمیلی رخ داد، ای بود که تنها بر سرمایه‌های اقتصادی و انسانی تأکید شد و به همین علت متأسفانه جهش مناسبی در تولید رخ نداده است. دلیل اصلی این امر، تخریب سرمایه اجتماعی است که در همان دوره داده است. سرمایه اجتماعی، از سرمایه‌های اقتصادی و انسانی مهم‌تر است، شاخص‌هایی که برای سرمایه اجتماعی نام برده می‌شود، عبارتند از اعتماد، مشارکت، هم‌یاری، قانون‌پذیری، امید به آینده و شبکه‌های اجتماعی.

سرمایه فرهنگی، مجموعه‌ای از عوامل انسانی و غیرانسانی است، که فرهنگ را می‌سازد؛ سنت‌ها، آثار مکتوب تاریخی مانند دیوان شاعران و مکان‌های تاریخی، همه سرمایه‌های فرهنگی هستند و همین سرمایه‌های فرهنگی است که رفتارها را شکل می‌دهند. هنرها و هنرمندان، موسیقی‌ها و موسیقی‌دانان همگی نوعی نهادهای فرهنگی قابل انباشت، انتقال و ذخیره هستند و ارزش تولید می‌کنند.

همچنین سرمایه‌های سیاسی، سیاست‌مدارانی هستند که می‌توانند با رفتارشان، حرکت و مسیرهای سیاسی را تغییر دهند، اصلاح کنند، سرعت دهند و متوقف نمایند.

وقتی یکی از پنج نوع سرمایه، آن‌قدر فراگیر و شناخته و اثرگذار شود، که به مرز افتخار رسیده، اعتماد عمومی را جلب کنند و احترام مردم را برانگیزاند به سرمایه نمادین تبدیل می‌شود. برای مثال میان دو ایرانی خارج از کشور، که یکدیگر را

نمی‌شناسند، زبان فارسی، یک سرمایه نمادین است، که باعث ارتباط این دو فرد با یکدیگر می‌شود و این، نخستین گام در تولید اعتماد یا سرمایه اجتماعی بین آنان است. پس سرمایه نمادین می‌تواند مولد سایر سرمایه‌ها نیز باشد. بنابراین شهرت یافتن، موجب احترام و افتخارشدن و ایجاد علایق مشترک، سرمایه‌ها را به سرمایه نمادین تبدیل می‌کند. از لحظه‌ای که سرمایه‌ای به سرمایه نمادین تبدیل می‌شود، ارزش آن شدیداً افزایش می‌یابد. تابلوی عصر عاشورای استاد فرشچیان، در ابتدا ارزش یک تابلوی معمولی را دارد. ولی به محض تبدیل شدن به سرمایه نمادین، ارزش بالایی پیدا می‌کند. به عنوان نمونه های دیگر از سرمایه‌های نمادین، می‌توان به دیوید بکام (بازیکن فوتبال) برای کشور انگلستان، معبد نیلوفر دهلی برای بهاییان جهان، برج العربیه برای دبی و آرم شرکت هما برای این شرکت اشاره کرد. بسیاری از دانشمندان، شاعران، هنرمندان، کارآفرینان و ورزشکاران می‌توانند برای یک کشور به سرمایه‌های نمادین تبدیل شوند.

کارکرد اصلی سرمایه‌های نمادین، تکثیر و جذب انواع سرمایه‌های نمادین دیگر است. سرمایه‌های نمادین، موتور تولید انواع سرمایه‌ها هستند. توسعه در یک جمله، توانایی جذب، تولید و ارتقای سرمایه‌های نمادین است. اگر کشوری نتواند برای تولید سرمایه‌های نمادین، بهانه‌ای تولید کند، این کشور توسعه پیدا نخواهد کرد. مثال جالبی که می‌توان بیان کرد مورد دیوید بکام است که یک سرمایه نمادین جهانی و بویژه برای کشور انگلیس است. مسئولان اماراتی در آغاز یکی از یالهای جزیره نخل را به نام بکام می‌کنند یعنی یک ویلای رایگان (یا با تخفیف) در اختیار وی قرار می‌دهند و بدین ترتیب نام جزیره نخل را با نام بکام پیوند می‌زنند که موجب می‌شود قیمت ویلا در این جزیره بسیار افزایش یابد. در اینجا امارات، از سرمایه نمادین کشوری دیگر استفاده کرده و باعث به وجود آمدن سرمایه نمادین تازه ای برای خودش شده است. و حالا امارات از طریق این سرمایه نمادین انبوهی از سرمایه های دیگر را به خود جذب می‌کند. امارات را می‌توان از موفق‌ترین کشورها در تولید سرمایه‌های نمادین دانست.

امارات از تولید سرمایه اجتماعی آغاز کرد؛ یعنی نخست محیطی باز و قانونمند ایجاد کرد که مملو از اعتماد و امنیت بود. این محیط یک سرمایه‌ای اجتماعی برای امارات محسوب شد. سرمایه اجتماعی، باعث رشد سرمایه اقتصادی و انسانی در این شهر شد، که به سرعت انباشت گردید. امارات در قدم بعد، برای رشد هر چه بیشتر این انباشت، شروع به تولید سرمایه نمادین کرد. انواع ساختمان‌های شگفت‌انگیز، هتل‌های لوکس و مدرن و تفریح‌گاه‌های دیدنی، همه تبدیل به نوعی سرمایه نمادین برای امارات شدند که باعث جذب هرچه بیشتر گردش‌گران و سرمایه‌داران به این کشور گردید.

در بین سرمایه‌های نمادین، سرمایه نمادین انسانی دارای بیشترین اهمیت است، چون خود می‌تواند منبع تولید سرمایه‌های نمادین دیگر شود. سرمایه‌های نمادین، به‌خصوص از نوع انسانی، در شرایط بحرانی ارزش خود را بیشتر نشان می‌دهند و می‌توانند باعث انسجام، وحدت جامعه شوند و می‌توانند مانع بروز تنش و درگیری زیان‌بار در جامعه شوند.

متأسفانه در کشور ما، هم جامعه و هم دولت در تخریب سرمایه‌های نمادین متخصص شده‌اند. نمونه‌های بسیاری را می‌توان اشاره کرد که یک نمونه آن، رفتاری است که مثلاً با استاد شجریان بر سر موضوع تاسیس باغ هنر شهر زلزله‌زده بم صورت گرفت. در این زمینه هم عموم مردم و جامعه فرهنگی و هم دولت با وی همکاری نکردند. استاد شجریان را می‌توان به یک سرمایه نمادین جهانی تبدیل نمود، ولی اغلب با او مبارزه می‌شود. در مورد متخصصان و دانشمندان، مراجع تقلید، ورزشکاران و سایر افرادی که به طور بالقوه ظرفیت تبدیل شدن به سرمایه نمادین را دارند نیز روندهای مخرب مشابهی وجود دارد. یعنی افرادی را که می‌توانند سرمایه نمادین کشور و جامعه شوند، در حلقه و فرآیندهای مستهلک کننده قرار می‌دهیم. در این بین نقش اختلاف‌ها و خط‌کشی‌های سیاسی در چند ساله اخیر پررنگ‌تر شده و دولت‌سکان‌دار این تخریب‌ها شده است. البته از طرف دیگر، خود رئیس دولت دهم نیز در چند ماه اخیر، به شدت تخریب شده است و این موضوع ناراحت کننده‌ای است. زیرا اگر این

حجم تخریب علیه ایشان نبود، ایشان می‌توانست دستکم برای بخشی از جامعه به یک سرمایه نمادین تبدیل شود. در حال حاضر جناح محافظه کار دارای سرمایه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی زیادی است، ولی این سرمایه‌ها به ندرت به سرمایه نمادین فراگیر تبدیل شده‌اند و اگر هم هستند منطقه‌ای هستند یا برد آنان در بخش خاصی از جامعه یعنی در بین دینداران سنتی است. در سوی دیگر در جناح اصلاح طلبان، گرچه دارای سرمایه‌های سیاسی و اقتصادی زیاد نیستند اما در عوض سرمایه‌های نمادین آن زیادند و از نوعی هستند که بردی فرامنطقه‌ای و فرا محلی دارند. البته هر دو جناح از نظر داشتن سرمایه‌ها نمادین ملی مشکل دارند. اما البته اصلاح طلبان دو یا سه سرمایه نمادین ملی دارند. به باور بنده حصر سران جنبش سبز، در صورتی که آسیب فیزیکی به آنها زده نشود و سلامتشان به خطر نیفتد، خیری برای اصلاح طلبان داشت که باعث شد برخی از آنان به سرمایه نمادین ملی تبدیل شوند. و البته سرمایه‌های نمادین ملی معمولا در بحران‌های اجتماعی نقش مثبت و کارآمدی دارند در کنترل بحران دارند.

مثلا برای من روشن است که هدفمندسازی یارانه‌ها، افزایش بیشتر تورم را در پی خواهد داشت. دولت برای مقابله با این امر دو راهکار در اختیار دارد: کنترل نقدینگی و ایجاد رکود عمدی. در مورد اول دولت برعکس عمل کرده و حجم نقدینگی در سالهای اخیر چند برابر شده است. در مورد دوم البته دولت به ایجاد نوعی رکود عمدی دست زده است اما تداوم آن امکان‌پذیر نیست. در نتیجه تورم در آینده نه‌چندان دور به مرحله افسارگسیخته خواهد رسید و ممکن است با اعتراض گسترده طبقه فقیر و متوسط همراه شود، که این خطر را دارد که به نوعی درهم‌ریزی اجتماعی منجر شود. در آن زمان است که به تعداد زیادی سرمایه‌های نمادین نیاز خواهیم داشت. به نظر من اصلاح طلبان به دلیل دارا بودن این سرمایه‌ها، می‌توانند کشور از خطراتی نظیر جنگ داخلی حفظ کنند. مثلا ببینید آقای خاتمی در میان طیف گسترده‌ای از جامعه، خواه جوان خواه پیر، خواه سنی خواه شیعه خواه مسیحی، خواه روشنفکر خواه سنتی، خواه

دیندار خواه غیردیندار یک سرمایه نمادین محسوب می شود. در حالی که ممکن است روحانی دیگری باشد که فقط در میان شیعیان ایران نقش سرمایه نمادین را داشته باشد. همین جا اضافه کنم که حرکت‌هایی که آقای خاتمی اخیراً انجام داده‌اند و راهکارهایی که برای آشتی ملی ارائه کرده‌اند، درست و به‌جا است. ما در موضعی هستیم که می‌توانیم و ناچاریم به سمت یک آشتی ملی و عفو عمومی حرکت کنیم و گر نه آینده دشواری در پیش خواهیم داشت. امروز هر دو طیف سیاسی کشور باید آمادگی عفو و مذاکره را داشته باشند و سرمایه‌های نمادین دو طرف باید فضا را برای چنین کاری آماده کنند.

پرسش و پاسخ

پرسش: تفاوت برندسازی با تولید سرمایه ملی در چیست؟

پاسخ: بحث برندسازی ده‌ها سال است که مطرح شده، ولی سرمایه نمادین در اواخر دهه نود میلادی مطرح شد. برندسازی یعنی ایجاد سرمایه نمادین بخشی در یک حوزه خاص و محدود، ولی سرمایه‌های نمادین در حوزه گسترده اجتماعی مطرح هستند. پس می‌توان گفت برند همان سرمایه نمادین است، ولی در حوزه خرد یا بنگاهی.

پرسش: نقش سرمایه نمادین در کنترل آسیب‌های اجتماعی چیست؟

پاسخ: سرمایه‌های نمادین به دو قسمت انسانی و غیرانسانی تقسیم می‌شوند. سرمایه‌های نمادین غیرانسانی منشأ «تولید» ارزش‌های اخلاقی هستند، ولی سرمایه‌های نمادین انسانی، منشأ «تحول» ارزش‌های اخلاقی می‌شوند. ترکیب این دو نوع سرمایه، موجب تقویت و رواج ارزش‌های اخلاقی می‌شود. تولید و تحول ارزش‌های اخلاقی می‌تواند به کنترل آسیب‌های اجتماعی کمک شایسته‌ای بکند.

پرسش: بزرگ‌ترکردن و تبلیغات گسترده روی یک سرمایه‌نمادین نه چندان بزرگ، چقدر می‌تواند باعث پایداری آن سرمایه شود؟ رفتارهای عمومی مثبت یک جامعه می‌تواند به‌عنوان سرمایه‌های نمادین مطرح شود؟ کسانی را که خودشان و عملکردشان مخرب است، چگونه می‌توان به سرمایه‌نمادین تبدیل کرد؟

پاسخ: در پاسخ به بخش دوم پرسش باید گفت تمامی سرمایه‌ها می‌توانند به سرمایه‌نمادین تبدیل شوند حتی اگر مخرب باشند. هیتلر یک سرمایه‌نمادین مخرب بود. ولی نباید از ترس مخرب شدن برخی سرمایه‌های نمادین مانع پدیداری آنها شویم. رفتارهای عمومی و سرمایه‌های اجتماعی نیز قابلیت این را دارند که به سرمایه‌نمادین تبدیل شوند. اما درباره نکته ابتدایی، می‌توان گفت هر جامعه با توجه به ویژگی‌های فرهنگی خود تولید سرمایه‌نمادین می‌کند و تبلیغات البته به بزرگ شدن یک سرمایه‌نمادین کمک می‌کند. اما هر جامعه‌ای، هر موضوع مورد پسند خود را نمی‌تواند با تبلیغات به عنوان یک سرمایه‌نمادین برای سایر جوامع مطرح کند. سرمایه‌نمادین شدن یک چیز نیازمند پذیرش طبیعی و مختارانه از سوی جامعه است. به زور نمی‌توان به مردم قبولاند که فلان ورزشکار ارزش سرمایه‌نمادین شدن دارد. باید سوژه مستعد باشد و البته تبلیغات هم به آن کمک کند. اما نکته مهم این است که در فرایند تولید انبوه، ضایعات نیز وجود دارند، نباید از ترس ضایعات، تولید را محدود کرد. باید به فکر کاهش ضایعات بود اما هدف باید تولید بیشتر و بیشتر سرمایه‌های نمادین باشد.